

واکاوی نقش توانمندی روان‌شناختی دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان رشتخوار)

علی ایزدی، کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زابل، ایران
سید امیر محمد علوی زاده، استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

تغییرات سریع محیطی، سازمان‌ها را وادار می‌سازد تا برای سازگاری با محیط به سازوکارهای مدیریتی مختلفی روی آورند. توانمندی یکی از این سازوکارهاست و نقش کلیدی در حیات سازمان‌های نوین در عصر دانش دارد. در این میان، امروزه یکی از سازمان‌های نوپا و تازه تاسیس شده در محیط روستایی، سازمان‌دهی‌هاست. هدف تحقیق حاضر، واکاوی نقش سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران در روند مدیریت توسعه روستایی در دهستان رشتخوار می‌باشد. در این پژوهش به روش میدانی با نمونه‌گیری از ۲۶ روستا و به تبع آن ۲۶ دهیاری به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند و با استفاده از فرمول کوکران، ۳۵۰ خانوار به عنوان حجم جامعه نمونه مشخص شد که به نسبت جمعیت و بعد خانوار در هر روستا پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی توزیع شدند. روایی پرسشنامه توسط استادان گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و جمعی از کارشناسان ارشد فرمانداری شهرستان رشتخوار مورد بررسی قرار گرفت. ضریب اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد مختلف (اقتصادی، اجتماعی، محیطی، عمرانی) برابر با ۰/۸۵ و برای ابعاد سطح توانمندی روان‌شناختی برابر با ۰/۸۹ است. برای پردازش داده‌ها از آزمون‌های آماری t-test در نرم افزار spss و از نرم‌افزار AmosGraphics استفاده گردیده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که توانمندی روان‌شناختی نقش مثبتی در بهبود روند مدیریت و توسعه روستایی داشته است و از دید جامعه نمونه توانمندی روان‌شناختی دهیاران در بعد عمرانی با مقدار $t(34/05)$ از حد متوسط کمتر بوده است. از سویی دیگر مشخص شد که بیشترین اثرات سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران بر توسعه روستایی دهستان رشتخوار مربوط به احساس اعتماد با $0/662$ است. در مجموع با توجه به یافته‌های تحقیق چنین می‌توان نتیجه‌گیری نمود، دهیارانی که از سطح توانمندی روان‌شناختی بالاتری برخوردار بودند در روند مدیریتی و توسعه روستایی عملکرد بهتری داشته‌اند.

کلمات کلیدی: توانمندی روان‌شناختی، دهیاران، توسعه روستایی، دهستان رشتخوار.

مقدمه

توسعه روستایی، به معنای اجرای پروژه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جهت چشم‌انداز آینده نواحی روستایی می‌باشد (Leon, 2005: 302). در واقع توسعه روستایی نیز از دو عامل سازمان‌های دولتی و سازمان‌های مردمی تأثیر می‌پذیرد و برپایه شکل‌گیری سازمان‌های متنوع نظیر شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و شوراهای و همچنین، ارتباطات مناطق روستایی با بخش‌ها، شهرها و دیگر سطوح پدید می‌آید. بنابراین توسعه از طریق تعامل مثبت دولت با دیگر سازمان‌ها و نهادها به دست می‌آید و برنامه‌های توسعه و مدیریت، علاوه بر سطوح کلان، به سطوح منطقه‌ای و محلی هم نیازمند است (Mahdidost, 2004:175). در این میان، روستا به عنوان کوچکترین واحد تشکیلات اجتماعی در ایران محسوب می‌شود و بدیهی است که این واحد اجتماعی به لحاظ وجود مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پایبند بودن افراد به قوانین عرفی و مدنی نمی‌تواند از تشکیلات سازمان مدیریتی بی‌نیاز باشد (مهدوی، ۱۳۸۴: ۲۱). روستاها به منزله مکان‌هایی خاص با شیوه زندگی و فعالیت‌هایی متفاوت نسبت به شهرها نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی حاکم بر روستاها هستند. در این راستا، یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه روستایی، مدیریت روستایی است که نقش بسیار مهمی در هماهنگی فعالیت‌های توسعه روستایی بر عهده دارد (امینی، جمینی، ۱۳۹۳: ۱۷۸). از زمانی که در مناطق روستایی فرآیندهای سیستماتیک ساختاری حاکم گردید، مفهوم مدیریت روستایی به عنوان راهبردی در جهت توسعه روستایی جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی روستایی پیدا کرد. در واقع توسعه روستاها جز از طریق اعمال مدیریت شایسته و کارآمد و بهره‌گیری از شیوه‌های مشارکتی مبتنی بر حضور مردم در فرآیند توسعه امکان‌پذیر نیست (Fitzgerald 2002). (Franz, 1986:322, Puri, 2007:135).

از این رو، امروزه به دلیل پیچیدگی مسائل و پیدایش نیازهای متعدد، نیاز به مدیریت روستایی با مفهومی گسترده‌تر و سازمان‌های تخصصی در عرصه مدیریت محلی مانند

دهیاری مشاهده می‌شود (فیروزآبادی، ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۱: ۶۲). دهیاری یک نهاد عمومی غیر دولتی است که به منظور اداره امور روستا تاسیس می‌شود و به عنوان حلقه رابطه بین دولت و مردم نقش بسزایی در پیشبرد اهداف و سیاست‌های دولت در مناطق روستایی دارد. با تاسیس دهیاری، مدیریت اجرایی امور روستا نیز به عهده دهیاری گذاشته شده است. این سازمان با توجه به موقعیت محل و با درخواست اهالی، از وی شورا برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل همانند شهرداری‌ها مشغول کار می‌گردند (چوبچیان و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۱). براساس آخرین اطلاعات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور در زمستان ۱۳۹۰، بیش از ۲۵ هزار دهیاری در سراسر کشور تشکیل شده‌اند و هم اکنون ۸۵ درصد جمعیت روستایی کشور تحت پوشش دهیاری‌ها قرار گرفته‌اند (imo.org.ir). در این راستا، با توجه به نقش محوری مدیران در گشایش تنگناها و ایجاد فن آوری‌های پیشرفته و اینکه مهم‌ترین عامل بهره‌وری در روستاها و در نهایت کل جامعه، مدیران - هستند، تردیدی نیست که شکوفایی هر جامعه‌ای در بهبود و پرورش مدیران آن نهفته است. روستاها امروزه نیز به دهیارانی توانمند نیاز دارند تا با کمک آنها در توسعه روستایی موفقیت چشم‌گیری کسب کنند. در واقع روستاها نیازمند مدیرانی هستند که بتوانند بهترین استفاده از فناوری پیشرفته ارائه دهند (Nesan & Holt, 2002:208). بنابراین، نیاز در به کارگیری شیوه‌های ارتقاء و توسعه مدیران روستایی در روند مدیریت و توسعه روستایی و نیز کارایی مفاهیم توانمندی جهت توسعه و بهبود این روند، اهمیت هرچه بیشتر توانمندی روان‌شناختی را نشان می‌دهد. از این رو، دهیاران دهستان رشتخوار از این قاعده مستثنی نیستند.

درعین حال نقش توانمندی روان‌شناختی تغییرات بسیاری در روند مدیریت و توسعه روستایی به وجود آمده است و این تغییرات را می‌توان در اغلب روستاهای ایران، از جمله روستاهای دهستان رشتخوار مشاهده کرد. بدون شک این تغییرات ناشی از پیامدهای مؤثر نقش توانمندی روان‌شناختی (احساس شایستگی، احساس اعتماد،

احساس حق انتخاب، احساس معنی داری، احساس موثر بودن) دهیاران در جامعه روستایی ناشی می‌شود که بر روند تغییرمدیریت و توسعه روستایی تأثیر می‌گذارد. در چنین وضعیتی مسئله اصلی که در این تحقیق نیز در کانون توجه بوده است. واکاوی نقش توانمندی روان‌شناختی دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی است که بتواند ضمن حل مشکلات موجود، پاسخگوی نیازهای جدید نیز باشد. با این پیش‌زمینه، تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این سؤالات اساسی است که:

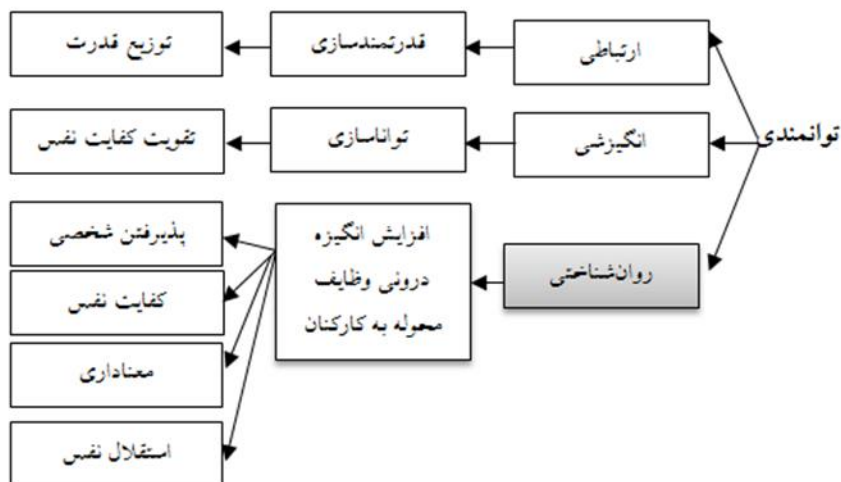
(۱) نقش دهیاری‌ها در توسعه روستا در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و عمرانی چگونه است؟

(۲) در بین اثرات شاخص‌های نقش توانمندی روان‌شناختی دهیاران بر روند مدیریت و توسعه روستایی در محدوده مورد مطالعه کدامیک بیشترین تأثیر را دارد؟

مبانی نظری

در دوران نهضت روابط انسانی، توانمندی به کانون توجه صاحب‌نظران مدیریت تبدیل شد. مسائلی مانند رضایت شغلی، غنی‌سازی شغل و رهبری دموکراتیک مطرح شد و توانمند نمودن مدیران به عنوان یک هدف مهم و حیاتی در سازمان مطرح و منجر به ایجاد تحولات اساسی در سازمان‌ها شد. از سال ۱۹۸۰ به بعد اصطلاح توانمندی بسیار رایج شده، با سرعت موضوع روز گردید و توسط نظریه پردازانی هم-چون کانگرو و کاننگو (۱۹۸۸)، اسپریتز (۱۹۵۵)، توماس و ولتهوس، کنت بلانچارد، جان پی کارلوس و راندلف (۲۰۰۰) گسترش یافت (Wood & Desmond, 2004:18). در فرهنگ وبستر از توانمندی به عنوان تفویض اختیار با اعطای قدرت قانونی به سایرین تعبیر شده است. در فرهنگ لغت آکفورد آن را به عنوان توانا ساختن تعریف می‌کند. توانمندی به معنی قدرت بخشیدن است. بدین معنی که به افراد کمک کنیم تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشیده و احساس ناتوانی و در ماندگی خود چیره شوند (Kostiwa & Meeks, 2009:287). هرچند تعاریف توانمندی از تنوع زیادی

برخوردار است، اما مطابق شکل (۱) صاحب‌نظران علوم انسانی از سه رویکرد مختلف به بحث توانمندی پرداخته‌اند:



شکل ۱. رویکردهای اصلی در تعاریف توانمندی (Gagne & Decl, 2005: 331)

در رویکرد ارتباطی، توانمندی فرآیندی است که از طریق آن یک مدیر سعی در تقسیم قدرت در بین زیر دستانش دارد (Conger & Kanungo, 1985: 478). باردوئیک، بلاک و پیتزر، توانمندی را فرآیند تقسیم قدرت در بین افراد سازمان تعریف کردند، اما در رویکرد انگیزشی، توانمندی ریشه در تمایلات انگیزشی افراد دارد. (Conger & Kanungo, 1985: 447). اما در رویکرد روان‌شناختی که توماس و ولتهوس در راس آن قرار دارند، معتقدند که توانمندی موضوعی چند وجهی است و نمی‌توان صرفاً بر پایه یک مفهوم خاص به بررسی آن پرداخت. (Nesan & Holt, 2002: 215). در مدیریت عملکرد یا نتایج فعالیت‌های کاری فرد، تعاریف مختلفی دیده شده است. برخی از آن‌ها به هرگونه نتیجه حاصل از انجام کار توجه نموده‌اند و برخی آن را مترادف با خروجی-های ملموس و کیفی حاصل از کار دانسته‌اند (Webster, 2006: 72). برخی دیگر آن را

معادل فعالیت‌های کاری و اعمالی که در فرآیند کار و در حین انجام آن صورت می‌گیرد، می‌دانند (Kostiwa & Meeks, 2009:291). در یک جمع‌بندی از تحقیقات و مطالعات صورت گرفته، می‌توان آن‌ها را به دو گروه تقسیم‌بندی کرد. در دیدگاه نخست عملکرد مترداف با بهره‌وری قرار گرفته است. در این طیف عملکرد معادل با بهره‌وری و نتایج سازمانی می‌باشد (Blakely, & Fuller, Niehoff, Moorman, 2001:107)، اما در دیدگاه دوم عملکرد در سطح کارکنان و افراد و با توجه به نتایج و پیامدهای که از فعالیت‌های آن‌ها ارائه می‌شود، سنجیده می‌شود.

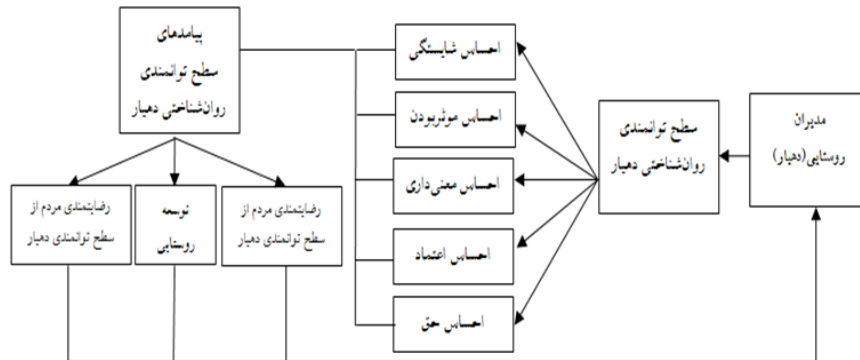
در این میان، با وجود گستردگی در میان مطالعات و تحقیقات توانمندی روانشناختی، در بین عوامل ارائه شده چهار عامل مشترک وجود دارد. یکی از بهترین مطالعاتی که ارائه دهنده این چهار بعد است توسط توماس و ولتهوس صورت گرفته است که به مهم‌ترین آنها می‌پردازیم: **احساس موثر بودن**، که عبارت است از باور فرد نسبت به این که تا چه اندازه عملکرد او در تحقق اهداف و وظیفه مورد نظر، موثر خواهد بود. تحقیقات انجام شده، حکایت از آن دارد که عدم وجود این احساس در افراد باعث ناامیدی در شناسایی فرصت‌ها، کاهش انگیزش و افسردگی خواهد بود. **احساس شایستگی داشتن**، این اصطلاح که توسط وایت ابداع شده است از باور فرد به قابلیت‌های خود برای انجام یک وظیفه حکایت دارد. باندورا نیز این اصطلاح را در قالب، کفایت نفس «یا بلوغ فردی» مورد مطالعه قرار داد. او دریافت کفایت نفس پایین، مانع از آن می‌شود که فرد به قابلیت‌های خود اعتماد کرده و آن را بهبود بخشد. برعکس، کفایت نفس بالا منجر به ابتکار عمل فرد در انجام وظایف، تلاش زیاد و مقاومت در برابر موانع خواهد شد. **معناداری**، این ارزیابی توجه به این دارد که فرد بر مبنای آرمان‌ها یا استانداردهای خود، نسبت به ارزش هدف و وظیفه مورد نظر چگونه می‌نگرد. می‌تواند تحقیقات خود دریافت که درجه پایین معناداری، منجر به بی‌علاقگی، بی‌تفاوتی و انزوایی خواهد شد. کانتر، جابریگ و اولسون، نیز دریافتند که سطوح بالای معناداری، مشارکت‌پذیری و تمرکز نیروی فرد بر روی وظایف را به همراه خواهد

داشت. **حق انتخاب**، عبارت است از مسولیت پذیری برای نتایجی که فرد مسبب به وجود آمدن آن‌ها بوده است، از این اصطلاح به عنوان « خود تصمیم‌گیری» نیز سخن به میان آمده است. مطالعات انجام شده حکایت از آن دارند که برخورداری از حق انتخاب به همراه احساس شایستگی، اجزای درونی انگیزش درونی به حساب می‌آیند. دسی و ریان دریافتند وجود این احساس در افراد باعث انعطاف‌پذیری، خلاقیت، ابتکار عمل، جهندگی (واکنش سریع) و خودکنترلی خواهد شد. برعکس، عدم وجود آن باعث جریحه‌دار شدن عزت نفس افراد خواهد شد (خدیبوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۶).

در این میان می‌توان از توانمندی روان‌شناختی در روند مدیریت و توسعه روستایی سخن به میان آورد. در واقع، برای توسعه روستایی نیاز به مدیریتی است که بر سایر اجزاء احاطه دارد (تشکری، ۱۳۸۱: ۱۵). مدیریت، زیرساخت و برنامه سه عنصر مهم مدیریت روستایی در دستیابی به اهداف عمده آن یعنی کاهش چشم‌گیر مهاجرت‌های روستایی، از بین بردن شکاف اقتصادی- اجتماعی بین شهر و روستا، توسعه کشاورزی و کاهش فقر گسترده روستایی به حساب می‌آیند (Sayahi _ Wenchang, 2008: 77). زیرا مدیریت یکی از ارکان اساسی در جهت پیشرفت و توسعه روستایی است و گامی در جهت رسیدن به سطحی از توسعه پایدار است (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۸۲). از این رو مدیریت روستا در کشور ما بر عهده سازمانی به نام دهیاری‌هاست. این سازمان، باید برای بقا و بالندگی، خود را برای رویارویی با این تحولات عظیم آماده سازند. در شرایط متغیر امروزی برای این سازمان (دهیاری) چاره‌ای جز بهره‌برداری مناسب از مدیران توانمند نیست؛ چراکه مزیت رقابتی سازمان در شرایط حال وابسته به نیروی توانمند و شایسته‌ای است که پاسخگوی این شرایط باشد (ودادی، مهرآرا، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

براین اساس، هر سازمانی باید راه‌های جدیدی برای اصلاح مدیریت نیروی کار که تأثیر مثبتی بر عملکرد و بهره‌وری مدیران دارد را به وجود آورد (Chen, L-H, et al, 2003:303). به هر حال، بر اساس اطلاعات موجود به نظر می‌رسد که سطح توانمندی

روانشناختی در دهیارن با توجه به مطالب گفته شده منجر به بهبود روند مدیریت و توسعه روستایی می‌شود و می‌تواند پیامدهایی را در بر داشته باشد (شکل ۲).



شکل ۲. پیامدهای سطح توانمندی روانشناختی دهیار (ماخذ: مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی نگارندگان)

پیشینه پژوهش

با مروری بر پیشینه تحقیق مشخص می‌گردد که تاکنون تحقیقات مختلفی پیرامون واکاوی سطح توانمندی روانشناختی دهیاران در روند مدیریت توسعه روستایی کشورمان انجام شده است که در ادامه به برخی از موارد مرتبط با این تحقیق اشاره می‌گردد:

شیخی و همکاران در سال ۱۳۹۲، طی پژوهشی به بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی پرداختند. نتایج حاصله حاکی از آن است، در بحث اهمیت دادن دهیار به شاخص‌های چهارگانه، شاخص عمرانی بالاترین درجه اهمیت و شاخص اقتصادی کمترین درجه را به خود اختصاص داده است. هم چنین در بحث تخصص و مهارت دهیاران، شاخص خدماتی بالاترین و شاخص اقتصادی کمترین رتبه را به خود اختصاص داده است (شیخی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). لنگرودی و همکاران در سال ۱۳۹۲، نیز در پژوهشی ارزیابی عملکرد دهیاران در فرآیند توسعه روستایی با تاکید بر گروه‌های هدف کشاورزی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می-

دهد که بین ارزیابی عملکرد دهیاران از منظر گروه‌های هدف کشاورزی و توسعه روستاهای مورد مطالعه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی-زیست محیطی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین بیشترین اثرات عملکردی دهیاران بر توسعه روستایی بخش کونانی مربوط به اثرات اجتماعی است (لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹). همچنین فراهانی و آیین مقدم در سال ۱۳۹۱، به ارزیابی عملکرد و کارایی دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در فرآیند مدیریت توعه روستایی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که تأسیس دهیاری‌ها و فعالیت شورای اسلامی نقش مثبتی در بهبود روند مدیریت روستایی داشته است و از دید جامعه نمونه شوراهای دهیاران در بعد اقتصادی کمتر از حد متوسط عمل کرده‌اند و همچنین مشخص شد که دهیاری و شوراهای روستاهای پرجمعیت موفق‌تر از روستاهای کوچک عمل کرده است (فراهانی، آیین مقدم، ۱۳۹۱: ۱۱۸). از طرف دیگر، فال سلیمان و همکاران در سال ۱۳۹۱، به بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در فرآیند مدیریت و توسعه روستایی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که از دید دهیاران، بعد از تشکیل دهیاری‌ها تغییرات چشم‌گیری در بهبود وضعیت هریک از گویه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی-کالبدی مرتبط با توسعه روستا به وجود آمده است به گونه‌ای که ۹۲/۵ درصد از دهیاران، فرآیند توسعه روستا را بعد از تشکیل دهیاریها متوسط و یا زیاد ارزیابی کرده‌اند (فال سلیمان و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳). امینی و جمینی در سال ۱۳۹۳، به تحلیلی بر ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد نهادهای دهیاری با استفاده از رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری پرداختند. نتایج حاکی از آن است که با حذف اثرهای خطاهای اندازه‌گیری در رویکرد معادلات ساختاری، ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد دهیاری‌ها به ترتیب متاثر از مولفه‌های عملکرد خدماتی، مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی است که تا اندازه‌ای با نتایج حاصل از توصیف متغیرهای مشاهده شده خام متفاوت است (امینی، مجینی، ۱۳۹۳: ۱۷۷). رشید پور و همکاران^۲ در سال ۲۰۱۱، در پژوهشی به بررسی نقش مدیریت جامعه محلی در کاهش

²Rashidpour, et, al

فقر و توسعه پایدار روستایی در ایران پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دو عامل سازماندهی و کنترل دارای بیشترین نقش و تأثیر تشخیص داده شده‌اند (Rashidpour, et, al, 2011:174). در نهایت یگی^۳ در سال ۲۰۰۸، به بررسی مطالعه تطبیقی پیرامون شیوه‌های مطلوب مدیریت محلی در دو جامعه اردن و امریکا پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اردنی‌ها نسبت به امریکایی‌ها دیدگاه مثبت‌تری درباره مدیریت محلی دارند (Yghi, 2008:47).

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که به روش پیمایشی انجام گرفته است. برای گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در این پژوهش از روش‌های مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعات میدانی استفاده شده است که روش میدانی مبتنی بر پرسشنامه مربوط به دهیاران و خانوارهای روستایی است. پرسشنامه مورد نظر سوالات آن در نوع باز و بسته طرح شده است.

بدین منظور با توجه به سؤال اساسی تحقیق اقدام به شاخص‌سازی در دو بخش ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و عمرانی (جدول ۱) و سطح توانمندی روان-شناختی دهیار در روستاهای مورد مطالعه (جدول ۲) و نهایتاً تهیه پرسشنامه شده است. لازم به ذکر است که شاخص‌های مورد مطالعه، متناسب با شرایط منطقه و از بین طیف گسترده‌ای از شاخص‌های مرتبط با هر بخش گزینش شده‌اند.

روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه با کسب نظرات متخصصان، کارشناسان و استادان دانشگاه به دست آمده و برای تعیین پایایی پرسشنامه، که به وسیله آزمون مقدماتی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب به دست آمده در این رابطه برای سطح توانمندی روان‌شناختی ۰/۸۹ و برای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و عمرانی ۰/۸۵ است. ضریب به دست آمده قابلیت اعتماد مطلوبی دارد.

³Yghi, A

جدول ۱. شاخص‌های مورد توجه در بررسی ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و

عمرانی

ابعاد	شاخص‌ها
بعد اقتصادی	روش‌های تأمین درآمد، ایجاد اشتغال و گسترش صنایع تولیدی، اشتغالزایی مناسب و گسترش صنایع تولیدی، فعالیت‌های پیرامون توسعه کشاورزی
بعد اجتماعی	تشویق و ترغیب روستائیان به مشارکت، کمک‌رسانی در مواقع بحران، چگونگی همکاری با شورا، کمک به حل اختلاف و دعاوی مردم، همکاری با نیروی انتظامی منطقه جهت ایجاد برقرای نظم و امنیت در روستا، تلاش در جهت برپایی کلاس‌های آموزشی
بعد محیطی	نصب سطح زیاله در روستا، دسترسی به آب شرب سالم، تملک اراضی مورد نیاز برای توسعه روستا، نگهداری از تأسیسات و اموال عمومی، حفظ بهداشت محیط روستا، دفن بهداشتی زیاله‌ها
بعد عمرانی	توسعه شبکه معابر روستا، احداث فضای سبز در روستا، تلاش در جهت ایجاد اماکن عمومی (غسالخانه، سرویس‌های بهداشتی، کتابخانه و غیره)، نظارت بر ساخت و ساز مسکن روستایی، کمک به اجرای طرح‌های عمرانی و زیربنایی، نظارت بر ساخت راه

ماخذ: مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی نگارندگان

جدول ۲. شاخص‌های مورد توجه در بررسی سطح توانمندی روان‌شناختی

ابعاد	شاخص‌ها
احساس معنی داری	اهمیت شغلی، نوع هدف دهیار در انجام امور روستایی، شیوه تفکر
احساس اعتماد	شخصیت دهیار، ارزش‌های دهیار، عقاید و اخلاقیات، صداقت و راستگویی
احساس موثر بودن	نفوذپذیری، نوع روش و عملکرد دهیار، سوابق اجرایی، متعهد بودن در شغل خود، نحوه مدیریت در روستا
احساس شایستگی	خلاقیت، هوشیاری، دانش و تخصص، مدیریت بحران، سرعت عمل در انجام امور اجرایی
احساس حق انتخاب	به درستی کار را انجام دادن، به نیازها و انتظارات مشتریان پاسخ دادن، استقلال در انجام امور وظایف

ماخذ: ماخذ: مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی نگارندگان

در مرحله بعد با توجه به هدف پژوهش روستاهای دارای دهیاری فعال، ۲۶ مورد هستند که جمعیت آنها برابر ۱۷۰۵۴ نفر است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که تعداد ۳۵۰ نفر (از بین جمعیت خانوارهای روستایی دهستان رشتخوار)

به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. جامعه آماری این تحقیق، خانوارهای روستایی دهستان هستند که در روستاهای برخوردار از دهیاری دهستان رشتخوار زندگی می‌کنند. ابزار گردآوری داده‌های این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته است که ۵ شاخص اصلی آن در توسعه روستایی، یعنی احساس معنی داری، احساس شایستگی، احساس اعتماد و احساس موثر بودن و احساس حق انتخاب برگزیده شده است. در نهایت در مرحله بعد، به تناسب فراوانی خانوارهای ساکن در هر روستا، تعداد خانوارهای نمونه آن روستا تعیین و با روش تصادفی ساده، خانوارهای نمونه انتخاب و نهایتاً پرسشنامه‌های خانوار با کمک سرپرستان خانوار یا همسرانشان تکمیل گردید.

جدول ۳. تعداد خانوار و نمونه‌های انتخاب‌شده به تفکیک روستا

دهستان رشتخوار									
ردیف	روستا	تعداد خانوار	تعداد نمونه	ردیف	روستا	تعداد خانوار	تعداد نمونه	ردیف	روستا
۱	فتح آباد	۳۱۹۵	۸۹۷	۵۰	عشرت آباد	۱۴	۲۳۳	۷۳	۱۰
۲	نوق	۱۷۳۹	۴۵۷	۲۵	امین آباد	۱۵	۲۶۸	۸۲	۱۰
۳	عبس آباد	۶۸۹	۲۰۵	۱۵	خودآباد	۱۶	۱۵۴	۴۰	۵
۴	حسین آباد	۷۳۸	۱۷۵	۱۲	اسلام آباد	۱۷	۱۹۴	۵۱	۸
۵	براکوه	۹۶۶	۲۶۵	۱۵	صادق آباد	۱۸	۶۷	۶۷	۸
۶	مهدی آباد	۱۶۳۴	۴۴۱	۲۵	دستجرد	۱۹	۲۱	۹	۵
۷	سعادت آباد	۲۲۱۲	۶۲۳	۲۵	اندنچرد	۲۰	۲۳۲	۶۲	۸
۸	زرغری	۶۵۰	۱۸۵	۱۵	سرآسیاب	۲۱	۲۵۱	۶۶	۸
۹	فاردق	۶۸۳	۱۸۷	۱۳	آبینه	۲۲	۲۹۲	۷۲	۱۰
۱۰	کریم آباد	۴۳۴	۱۰۵	۱۲	بازه عاشقان	۲۳	۲۶۶	۷۵	۱۰
۱۱	اکبرآباد نوده	۵۴۲	۱۵۴	۱۲	جعفرآباد	۲۴	۲۳	۷	۵
۱۲	روح آباد	۳۵۲	۱۰۸	۱۲	قلندرآباد	۲۵	۲۱۴	۶۱	۹
۱۳	قادر آباد	۶۳۸	۱۵۶	۱۳	دریزعلیا	۲۶	۳۶۱	۹۰	۱۰

ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

در مرحله بعد، برای پردازش داده‌ها از آزمون‌های آماری t-test در نرم افزار spss و برای مشخص نمودن بیشترین تأثیر در بین شاخص‌های توانمندی روان‌شناختی بر روند مدیریت و توسعه روستایی در محدوده مورد از نرم‌افزار AmosGraphics استفاده گردیده است. هم‌چنین در پژوهش حاضر به منظور تحلیل داده‌ها برای مقایسه روستاهای دهستان از نظر میزان تأثیرگذاری سطح توانمندی روان‌شناختی با توجه به دیدگاه ساکنان آن، از روش شباهت به گزینه ایده ال فازی استفاده شده است.

قلمرو پژوهش

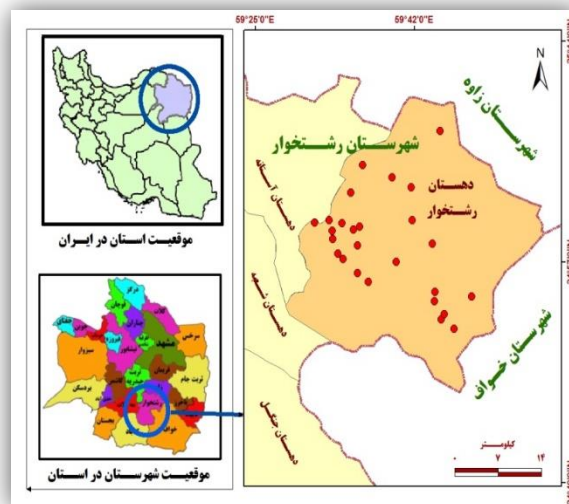
دهستان رشتخوار در شمال شرقی و تقریباً از نقاط مرکزی استان خراسان رضوی محسوب می‌شود. از لحاظ موقعیت جغرافیایی این دهستان در ۵۹ درجه و ۳۷ دقیقه ی طول شرقی و ۳۴ درجه و ۲۳ ثانیه ی عرض شمالی کره ی خاکی قرار گرفته است. فاصله‌ی دهستان رشتخوار تا مرکز استان (مشهد) ۱۵۹ کیلومتر است. منطقه مورد مطالعه، در شهرستان رشتخوار واقع است که ۲۸ آبادی دارد که ۲ آبادی آن در حال حاضر خالی از سکنه است. مرکز این دهستان شهر رشتخوار است. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰، دهستان رشتخوار دارای ۱۷۰۵۴ نفر جمعیت بوده است (استاندارداری خراسان رضوی، ۱۳۹۰). براساس این سرشماری این دهستان دارای ۲۶ دهیاری است. شکل (۳) موقعیت فضایی از استان و شهرستان را به تفکیک دهستان محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد.

نتایج و بحث

یافته‌های توصیفی

با توجه به پرسشنامه تکمیلی، تمامی دهیاران در محدوده مورد مطالعه مرد هستند و بیشترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۴۵ تا ۶۰ سال (معادل ۶۴/۵ درصد) می‌باشد.

از نظر تحصیلات رسمی ۲۰ درصد دارای مدرک سیکل، ۴۹.۳ دارای مدرک دیپلم و ۳۰.۷ درصد از مدرک فوق‌دیپلم و بالاتر برخوردار بوده‌اند. از نظر سابقه کار ۱۰ درصد دارای سابقه کم‌تر از ۴ سال، ۳۱.۵ درصد دارای سابقه کار ۴ الی ۸ سال، ۳۲.۳ درصد دارای سابقه کار ۸ الی ۱۲ سال و در نهایت ۲۶.۲ درصد از سابقه کار بالاتر از ۱۲ سال برخوردار بوده‌اند.



شکل ۳. نقشه موقعیت دهستان رشتخوار در استان و شهرستان رشتخوار (مأخذ: ترسیم نگارندگان)

تمامی دهیاران از اهالی خود روستا انتخاب شده‌اند و محل سکونت آنها، همه در خود روستا می‌باشد. در نهایت ۴۳.۶ درصد دهیاران به شغل کشاورزی، ۳۸.۵ درصد به شغل کارمندی و ۱۷.۹ درصد فقط به شغل دهیاری مشغول هستند. از سویی دیگر، مشخصات پرسشنامه خانوارهای روستایی به این شرح می‌باشد: ۷۸/۹ درصد از پاسخگویان پرسشنامه‌ها را مردان و ۲۱/۱ درصد آن‌ها را زنان تشکیل

می‌دهند و بیشترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۴۵ تا ۶۰ سال (معادل ۴۴/۵ درصد) می‌باشد.

همچنین بیشترین فراوانی پاسخگویان از نظر سطح تحصیلات مربوط به راهنمایی (معادل ۳۶/۳ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات لیسانس و بالاتر (معادل ۳/۹ درصد) می‌باشد.

یافته‌های تحقیق مؤید آن است که از بین شاخص‌های مورد توجه در بررسی ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و عمرانی دهیاران شاخص‌های همکاری با نیروی انتظامی منطقه جهت ایجاد برقرای نظم و امنیت در روستا با میانگین ۴,۱۹، کمک به حل اختلاف و دعاوی مردم با میانگین ۴,۹ به ترتیب بالاترین میانگین در خانوارهای مورد مطالعه را به خود اختصاص داده است (جدول ۴).

همچنین از کل ۳۵۰ خانوار مورد بررسی، در ۶۳/۹ درصد از خانوارها، سطح رضایتمندی نسبت به ۵ سال گذشته افزایش یافته، در ۱۷/۵ درصد از خانوارها نیز سطح رضایت در این محدوده زمانی کاهش یافته است (شکل ۴).

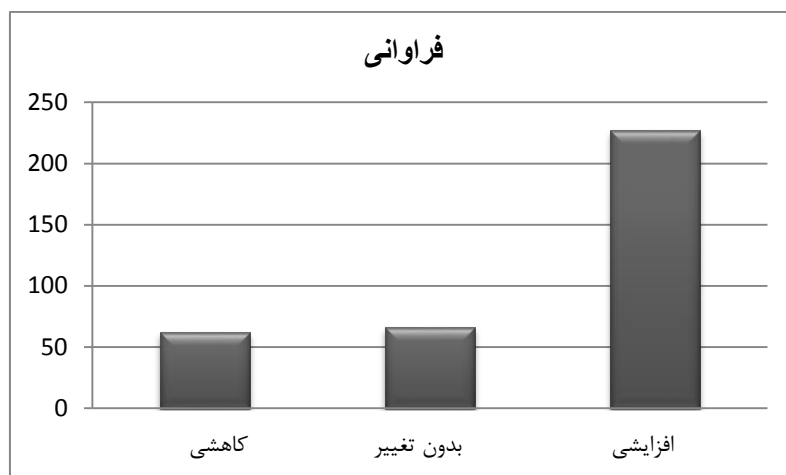
جمع‌بندی اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌های مربوط به خانوارهای مورد مطالعه و بررسی آماری عوامل مطرح، مؤید آن است که سطح توانمندی روان‌شناختی در دهیاران، روش‌های درآمدزایی برای روستا، افزایش تولیدات کشاورزی در سطح روستا از طریق بهره‌وری و نه افزایش سطح زیر کشت، رعایت ضوابط ساخت و ساز در داخل بافت روستا، توجه به ورزش و سلامت روستاییان و تنوع بخشی به فعالیت‌های روستایی در افزایش سطح رضایت خانوارهای مورد مطالعه از عملکرد دهیاران تأثیرگذار بوده‌اند.

همچنین عدم نظافت معابر و اماکن عمومی در روستا، عدم خدمات روستایی، عدم ساماندهی گورستان در روستا، عدم سطح توانمندی روان‌شناختی در دهیاران و غیره از عوامل مؤثر در کاهش سطح رضایت برخی از خانوارهای مورد مطالعه از عملکرد دهیاران بوده است.

جدول ۴. وضعیت شاخص‌های قابل توجه در دهیاران در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و عمرانی از نظر خانوارهای مورد مطالعه

ردیف	شاخص‌ها	میزان					انحراف معیار
		کمتر از ۱۰	۱۰ تا ۲۰	۲۰ تا ۳۰	۳۰ تا ۴۰	بیشتر از ۴۰	
۱	روش‌های تأمین درآمد	۹/۳	۲۷/۳	۳۱/۳	۲۱/۳	۱۱/۷	۳/۵۰
۲	ایجاد اشتغال و گسترش صنایع تولیدی	۳/۴	۵/۳	۱۷/۳	۴/۶	۲۸	۳/۷۸
۳	اشتغالزایی مناسب و گسترش صنایع تولیدی	۰	۵/۳	۱۶/۷	۴/۸	۳۰	۳/۹۵
۴	فعالیت‌های پیرامون توسعه کشاورزی	۱/۳	۲/۷	۱۲	۵۹/۳	۲۴/۷	۳/۷۲
۵	تشویق و ترغیب روستائیان به مشارکت	۸	۱۶	۴۲/۷	۲۵/۳	۸	۳/۷۷
۶	کمک‌رسانی در مواقع بحران	۳/۳	۷/۳	۳۳/۳	۴۲	۱۴	۳/۷۱
۷	چگونگی همکاری با شورا	۲	۶	۲۷/۳	۴۷/۳	۱۷/۳	۳/۸۱
۸	کمک به حل اختلاف و دعاوی مردم	۷	۲	۱۵/۳	۵۲	۳۰	۴/۰۹
۹	همکاری با نیروی انتظامی منطقه جهت ایجاد برقراری نظم و امنیت در روستا	۷	۱/۳	۱۲	۵۰/۷	۳۵/۳	۴/۱۹
۱۰	تلاش در جهت برپایی کلاس‌های آموزشی	۷	۱/۳	۲۶	۴۶/۷	۲۵/۳	۴/۰۳
۱۱	نصب سطح زیاده در روستا	۸/۷	۱۲/۷	۳۸/۷	۳۴	۶	۳/۴۱
۱۲	دسترسی به آب شرب سالم	۱۱/۳	۱۹/۳	۴۱/۳	۲۰/۷	۷/۳	۳/۳۴
۱۳	تملك اراضی مورد نیاز برای توسعه روستا	۱۰/۷	۱۲	۴۳/۳	۲۶	۸	۳/۰۵
۱۴	نگهداری از تأسیسات و اموال عمومی	۸	۲۸/۷	۳۴	۲۰/۷	۸/۷	۳/۳۴
۱۵	حفظ بهداشت محیط روستا	۶/۷	۱۸/۷	۳۲/۷	۳۳/۳	۸/۷	۳/۴۷
۱۶	دفن بهداشتی زباله‌ها	۴/۷	۱۱/۳	۴۲/۷	۲۸	۱۳/۳	۳/۵۶
۱۷	توسعه شبکه معابر روستا	۲۴	۳۳	۲۴	۴	۱۵	۳/۱۷
۱۸	احداث فضای سبز در روستا	۱۴	۲۰/۷	۴۸	۸/۶	۸/۷	۲/۹۳
۱۹	تلاش در جهت ایجاد اماکن عمومی (غسالخانه، سرویس‌های بهداشتی، کتابخانه و غیره)	۴/۶	۲۴	۶/۷	۱۷/۳	۶	۳/۰۹
۲۰	نظارت بر ساخت و ساز مسکن روستایی	۸/۷	۳۱/۳	۳۲/۷	۲۰	۷/۳	۳/۳۳
۲۱	کمک به اجرای طرح‌های عمرانی و زیربنایی	۴۳/۳	۲۵/۳	۱۸/۷	۴/۷	۸	۳/۱۹
۲۲	نظارت بر ساخت راه	۲۱/۳	۴۷/۳	۲۱/۴	۲	۸	۲/۸۶

ماخذ: محاسبات نگارندگان



شکل ۴. فراوانی خانوارها به تفکیک چگونگی تغییر سطح رضایت از عملکرد دهیاران در مقایسه با پنج سال گذشته

از سویی دیگر، از بین شاخص‌های مورد توجه در بررسی ابعاد توانمندی روان-شناختی دهیاران از نظر خانوارهای روستای شاخص‌های عقاید و اخلاقیات با میانگین ۶,۰۸، صداقت و راستگویی با میانگین ۳,۹۴ به ترتیب بالاترین میانگین در خانوارهای مورد مطالعه را به خود اختصاص داده است (جدول ۵).

یافته‌های تحقیق موئن آن است که تجربه در ۳۶/۳ درصد از دهیاران مورد مطالعه، بیش از سایر عوامل در موفقیت آن‌ها نقش داشته است و در ۸/۸ درصد از دهیاران مورد مطالعه، چند شغله بودن دهیار تأثیر داشته است (جدول ۶).

یافته‌های تحقیق موئن آن است که به منظور تعیین سطح رضایتمندی دهیاران از شغل خود، نتایج حاصل از پاسخ‌های دهیاران مورد بررسی قرار گرفت. براین اساس حدود ۴۲/۵ درصد از دهیاران از شغل خود در حد متوسط راضی بودند. از سویی دیگر، ۱۹/۱ درصد از دهیاران از وضعیت شغل خود احساس رضایت نداشتند. دهیاران علت آن را وضعیت استخدامی ذکر کردند؛ چرا که هر ۴ سال یک بار احتمال تعویض دهیار وجود دارد (شکل ۵).

جدول ۵. وضعیت شاخص‌های قابل توجه در دهیاران در ابعاد توانمندی روان‌شناختی

دهیاران از نظر خانوارهای مورد مطالعه

ردیف	شاخص‌ها	میزان					تعداد	نرخ
		زیاد	زیاد	متوسط	کم	کمتر		
۱	اهمیت شغلی	۳۷	۳۴/۵	۵۲/۸	۳/۵	۲/۲	۱/۰۷۴	۳/۲۵
۲	نوع هدف دهیار در انجام امور روستایی	۱/۹	۲۸/۸	۳۶/۹	۱۹/۸	۱۲/۶	۱/۰۵۰	۳/۳۳
۳	شیوه تفکر	۱۲/۴	۲۰/۴	۴۲/۱	۱۵/۶	۹/۵	۱/۱۰۴	۳/۳۹
۴	شخصیت دهیار	۱۰/۱	۶۲/۸	۲۳/۵	۲/۴	۱/۲	۱/۰۱۲	۳/۷۱
۵	ارزش‌های دهیار	۸/۵	۲۱/۸	۴۶/۲	۱۳/۱	۱۰/۴	۱/۰۶۲	۳/۸۰
۶	عقاید و اخلاقیات	۹/۸	۱۸/۵	۴۳/۶	۱۶/۲	۱۱/۹	۱/۰۵۷	۴/۰۸
۷	صداقت و راستگویی	۱۹/۲	۲۰/۱	۴۱/۶	۱۱/۵	۷/۶	۱/۱۷۰	۳/۹۴
۸	نفوذپذیری	۱۹/۷	۲۰/۸	۴۶/۲	۸/۲	۵/۱	۱/۰۳۸	۳/۳۲
۹	نوع روش و عملکرد دهیار	۲۱/۵	۳۶/۶	۳۱/۴	۷/۱	۳/۴	۱/۰۶۹	۳/۲۷
۱۰	سوابق اجرایی	۱۰/۸	۱۶/۸	۴۸/۹	۱۹/۲	۱۴/۳	۱/۱۷۶	۳/۳۶
۱۱	متعهد بود در شغل خود	۹/۲	۲۴/۶	۳۸	۱۶/۴	۱۱/۸	۱/۰۶۵	۳/۲۵
۱۲	نحوه مدیریت در روستا	۱۰/۴	۴۶/۵	۳۱/۲	۶/۳	۵/۶	۱/۰۲۱	۳/۴۱
۱۳	اخلاقیت	۸/۵	۱۰/۲	۴۵/۶	۲۰/۴	۱۵/۳	۱/۰۹۸	۳/۳۸
۱۴	هوشیاری	۱۱/۲	۲۴/۳	۳۲/۷	۱۷/۳	۱۴/۵	۱/۱۵۳	۳/۴۱
۱۵	دانش و تخصص	۸/۶	۲۸/۸	۴۰/۹	۱۱/۴	۱۰/۳	۱/۱۶۱	۳/۹۰
۱۶	مدیریت بحران	۱۸/۶	۲۹/۱	۳۸/۷	۸/۹	۴/۷	۱/۰۶۴	۳/۶۷
۱۷	سرعت عمل در انجام امور اجرایی	۱۷	۴۲/۸	۳۱/۹	۵/۱	۳/۲	۱/۱۴۹	۳/۵۵
۱۸	به درستی کار را انجام دادن	۱۱/۸	۴۸/۲	۳۰/۵	۶/۲	۳/۳	۱/۰۶۰	۳/۱۹
۱۹	به نیازها و انتظارات مشتریان پاسخ دادن	۲۰/۱	۳۳/۴	۳۲/۵	۹/۲	۴/۸	۱/۱۳۸	۳/۲۲
۲۰	استقلال در انجام امور وظایف	۱۶	۳۹/۴	۳۵/۶	۵/۲	۳/۸	۱/۱۳۴	۳/۱۸

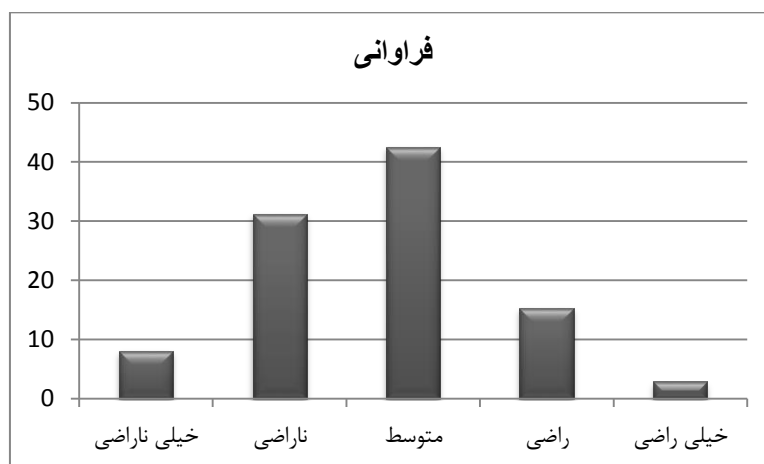
ماخذ: محاسبات نگارندگان

جدول ۶. فراوانی دهیاران مورد مطالعه به تفکیک موفقیت آنها در امور دهیاری از نظر

خانوارهای مورد مطالعه

نام شاخص	فراوانی	درصد
چندشغله بودن دهیار	۲۷	۸/۸
مدارک تحصیلی	۱۲۱	۳۴/۸
تجربه	۱۴۲	۳۶/۳
تخصص دهیار	۶۰	۲۰/۱
جمع	۳۵۰	۱۰۰

ماخذ: محاسبات نگارندگان



شکل ۵. فراوانی دهیاران به تفکیک چگونگی سطح رضایت از شغل خود

یافته‌های تحلیلی

به منظور سنجش ابعاد مورد مطالعه تحقیق، که از ابعاد تأثیرگذار سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران در سطح روستاهای مورد مطالعه است از روش شباهت فازی استفاده شده است. این ابعاد شامل بعد احساس معنی‌داری، احساس اعتماد، احساس موثر بودن، احساس شایستگی، احساس حق انتخاب است. محاسبات امتیاز نهایی

تاپسیس فازی نشان می‌دهد که روستای فتح آباد، سعادت آباد، مهدی آباد از بالاترین میزان اثرگذاری سطح توانمندی روان‌شناختی دهیار در سطح دهستان رشتخوار برخوردار است. روستاهای براکوه، زرغری، فاردق، حسین آباد، عبس آباد، عشرت آباد و غیره نیز در سطح متوسط از اثرگذاری واقع شده‌اند. از سویی دیگر، روستاهای دستجرد، کریم آباد و غیره از میزان اثرگذاری ضعیف برخوردار هستند (جدول ۷).

جدول ۷. طبقه‌بندی روستاها به تفکیک نقش توانمندی روان‌شناختی به روش فازی

تاپسیس در محدوده مورد مطالعه

میزان اثرگذاری	نشان	ضد ایده آل	لایده آل	میزان اثرگذاری	نشان	ضد ایده آل	لایده آل	میزان اثرگذاری
متوسط	اکبرآبادنوده	۴/۱۵	۲/۳۰	۰/۳۰	فتح آباد	۳/۰۷	۲/۸۲	۰/۴۸
	قادرآباد	۴/۱۷	۲/۲۷	۰/۲۹	مهدی آباد	۳/۲۰	۲/۷۶	۰/۴۱
ضعیف	کریم آباد	۴/۲۰	۲/۲۵	۰/۲۵	سعادت آباد	۳/۲۲	۲/۷۰	۰/۴۰
	روح آباد	۴/۲۳	۲/۲۳	۰/۲۵	حسین آباد	۳/۶۵	۲/۶۶	۰/۴۰
	دستجرد	۴/۲۷	۲/۲۱	۰/۲۲	براکوه	۳/۸۰	۲/۶۱	۰/۳۹
	اندنجرد	۴/۳۵	۲/۱۹	۰/۲۱	عبس آباد	۳/۷۱	۲/۵۸	۰/۳۹
	سرآسیاب	۴/۲۶	۲/۱۷	۰/۱۹	زرغری	۳/۸۲	۲/۵۲	۰/۳۸
	آبینه	۴/۳۷	۲/۱۳	۰/۱۹	فاردق	۳/۸۸	۲/۴۹	۰/۳۸
	بازه عاشقان	۴/۲۹	۲/۱۰	۰/۱۷	عشرت آباد	۳/۹۱	۲/۴۴	۰/۳۸
	جعفرآباد	۴/۳۳	۲/۱۱	۰/۱۵	امین آباد	۳/۹۵	۲/۴۱	۰/۳۶
	قلندرآباد	۴/۳۰	۲/۰۸	۰/۱۲	اسلام آباد	۳/۹۹	۲/۳۸	۰/۳۳
	دریزعلیا	۴/۳۱	۲/۰۵	۰/۱۲	خوردآباد	۴/۰۱	۲/۳۵	۰/۳۳
نوق	۴/۳۹	۲/۰۴	۰/۱۲	صادق آباد	۴/۱۰	۲/۳۳	۰/۳۰	

ماخذ: محاسبات نگارندگان

از طرف دیگر، برای فرضیه اول در رابطه با ارزیابی سطح توانمندی روان‌شناختی مدیران روستایی (دهیاران) در نقشی که در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و عمرانی دارند با توجه به طیف لیکرت، پاسخ‌گو میزان رضایت خود را به هر گویه، به

سوال‌های ۵ گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) اعلام نموده و به هریک از گزینه‌ها امتیازاتی داده شده است.

در این بین حد متوسط امتیازات به عنوان مبنای تصمیم‌گیری انتخاب شده است. به طوری که حد متوسط امتیازات برای شاخص‌ها در هر بعد (اقتصادی عدد ۱۵، بعد اجتماعی عدد ۱۲، بعد محیطی عدد ۱۰ و بعد عمرانی عدد ۱۲ در نظر گرفته شد، از این رو با در دست داشتن حد متوسط امتیازات جهت آزمون فرضیه اول این پژوهش از آزمون t-test استفاده شده است.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران در ابعاد مختلف اجتماعی، محیطی و عمرانی نقش مثبتی در روند بهبود مدیریت روستایی داشته است و از سویی دیگر، میزان موفقیت دهیاران در بعد عمرانی کمتر از حد متوسط بوده و اختلاف معنادار بین وضع موجود و حد متوسط امتیازات مبین ارزیابی نامطلوب مدیران روستایی (دهیاران) می‌باشد (جدول ۸).

جدول ۸. ارزیابی سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران در ابعاد اقتصادی، اجتماعی،

محیطی و عمرانی در محدوده مورد مطالعه

ابعاد	تعداد نمونه	میانگین وضع موجود	انحراف استاندارد	حد متوسط امتیازات	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
اقتصادی	۳۵۰	۱۳/۹۵	۰/۶۵۰	۱۲	۲۷/۶۷	۳۴۹	۰/۰۰۰
اجتماعی	۳۵۰	۱۳/۴۴	۰/۹۴۷	۱۲	۳۰/۸۹	۳۴۹	۰/۰۰۰
محیطی	۳۵۰	۱۱/۳۱	۰/۸۵۲	۱۰	۷/۵۳	۳۴۹	۰/۰۰۰
عمرانی	۳۵۰	۱۲/۰۸	۱/۰۹	۱۵	-۳۴/۰۵	۳۴۹	۰/۰۰۰

ماخذ: محاسبات نگارندگان

در ادامه تحقیق و جهت پاسخگویی به سوال دوم تحقیق، به بررسی اثرات پنج گانه سطح توانمندی دهیاران بر روند مدیریت و توسعه روستایی در منطقه مورد مطالعه پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج به دست آمده از نرم افزار AmosGraphics

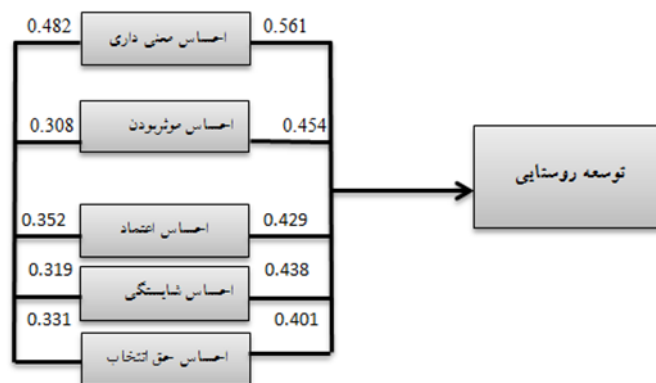
نشان می‌دهد، که بیشترین اثرات سطح توانمندی دهیاران بر روند مدیریت و توسعه روستایی در دهستان رشتخوار مربوط به شاخص احساس اعتماد با ۰/۶۶۲ است. دومین شاخص سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران که بیشترین اثر را بر روند مدیریت و توسعه روستایی گذاشته است، شاخص احساس شایستگی با ۰/۶۸۹ و کمترین اثرات بر وضعیت روند مدیریت و توسعه روستایی منطقه مربوط به شاخص احساس معنی-داری سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران است (جدول ۹). در شکل (۶) نمودار گرافیکی مسیرهای اثرات سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران بر روند مدیریت و توسعه روستایی نمایش داده شده است.

جدول ۹. اثرات ابعاد پنج گانه سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران مورد بررسی بر روند

مدیریت و توسعه روستایی در دهستان رشتخوار

اثرات کلی	اثرات غیرمستقیم شاخص‌ها	اثرات مستقیم شاخص‌ها	اثرات شاخص‌ها
۰/۵۷۲	-	۰/۵۶۱	اثرات سطح توانمندی روان‌شناختی احساس معنی داری بر توسعه روستایی
۰/۶۶۲	۰/۲۰۸	۰/۴۵۴	اثرات سطح توانمندی روان‌شناختی احساس اعتماد بر توسعه روستایی
۰/۶۴۹	۰/۲۲۷	۰/۴۲۲	اثرات سطح توانمندی روان‌شناختی احساس موثر بودن بر توسعه روستایی
۰/۶۵۰	۰/۲۱۲	۰/۴۳۸	اثرات سطح توانمندی روان‌شناختی احساس شایستگی بر توسعه روستایی
۰/۶۳۲	۰/۲۳۱	۰/۴۰۱	اثرات سطح توانمندی روان‌شناختی احساس حق انتخاب بر توسعه روستایی

ماخذ: محاسبات نگارندگان



شکل ۶. نمایش گرافیکی مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم اثرات سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران بر روند مدیریت و توسعه روستایی

نتیجه‌گیری

امروزه، مدیریت روستایی ابزاری بسیار مهم در راستای توسعه روستایی است و قطعاً بدون به کارگیری مدیریت روستایی در جریان توسعه روستایی، پیشبرد این امر با مشکلات روبه‌رو می‌شود. در واقع، دانشمندان علم مدیریت بر این باورند که تغییر و تحول در نیروی انسانی، ریشه تمام موفقیت‌های سازمان‌هاست. در این راستا، ابزاری که می‌تواند در این زمینه به کمک مدیران بشتابد، فرآیند توانمندی روان‌شناختی است. توانمندی روان‌شناختی روش نوینی برای بقای مدیران این سازمان‌هاست. در محیط روستایی، یکی از این سازمان‌ها که نیروی انسانی برای بقا خود مستلزم یادگیری توانمندی روان‌شناختی است، می‌توان به دهیاری‌ها اشاره کرد. در این میان، دهیار به عنوان بازوی اجرایی شورای اسلامی روستا محسوب می‌شود و بایستی دارای خصوصیات عام و خاص و مهارت‌ها و توانمندی‌های مدیریتی برای انجام وظایف محوله به عنوان بازوی اجرایی روستا باشد؛ زیرا دهیار با انجام این عواملی که گفته شد، می‌تواند نقش مهمی در توسعه روستایی ایفا کند. از این رو، دهیاران دهستان رشتخوار، با بالا بردن سطح توانمندی روان‌شناختی خود توانسته‌اند توسعه روستایی برای

روستاهای این دهستان را به بار بیاورند. براین اساس، پژوهش حاضر که با هدف واکاوی سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی انجام گردیده است، در نوع خود در مقایسه با مطالعات مشابه قابل توجه می‌باشد. از نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری تحقیق می‌توان استنباط نمود که موفقیت سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران در ابعاد مختلف اجتماعی، محیطی و عمرانی نقش مثبتی در روند بهبود مدیریت روستایی داشته است و از سویی دیگر، میزان موفقیت دهیاران در بعد عمرانی کمتر از حد متوسط بوده است. در واقع، نتایج این تحقیق، همسو با یافته‌های پژوهشی (فراهانی و آئین مقدم، ۱۳۹۱) است که معتقد است عملکرد دهیاری‌ها می‌توانند نقش بسیار مهمی در بهبود روند مدیریتی روستایی در ابعاد مختلف داشته باشند. از طرف دیگر، در شرایط حاضر، با توجه به بالا بردن سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران در روستاهای دهستان رشتخوار، فرصت‌های قابل توجهی برای توسعه روستایی بسیاری از روستاهای مورد مطالعه وجود دارد که استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در دهیاران، در توسعه روستایی این روستاها موثر خواهد بود. به هر حال، بر اساس جمع‌بندی نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها، توجه به موارد زیر در جهت ارتقاء روند مدیریت و توسعه روستایی ضروری می‌باشد:

- ۱- کنترل دهیار به صورت غیر مستقیم شکل پذیرد؛ چرا که از همان شروع کار نمی‌توان دهیار را کاملاً آزاد و رها گذاشت ضروری است در شروع دهیاران به صورت غیر مستقیم کنترل شوند و با گذشت زمان که تجربه دهیاران بالاتر می‌رود، شکل این کنترل تغییر پیدا کند، اما باید در نظر داشت که دهیاران باید در مقابل وظایف و کارهایی که انجام می‌دهند، کاملاً پاسخگو باشند.
- ۲- در بررسی سطح توانمندی روان‌شناختی دهیاران در دهستان رشتخوار توجه به عامل شایستگی که توجه به تمام راه‌حل‌ها ضرورت دارد.
- ۳- در جهت بهبود «احساس معنی‌داری» پیشنهاد می‌شود دهیاران، دهیاری‌های دهستان رشتخوار، از طریق جذب نیرو در رشته‌های متناسب با حوزه مدیریت

منابع انسانی و امور کار گزینی و همچنین جذب نیرو به منظور کسب اطمینان از تناسب مشاغل با شخصیت و ویژگی‌های شاغلان در جهت تطابق با ارزش‌ها، باورها و رفتارهای افراد با شغل، اقدامات شایسته و مناسبی را در این خصوص ترتیب دهند.

۴- به منظور افزایش «احساس موثر بودن» در این پژوهش پیشنهاد می‌شود دهیاری‌های دهستان رشتخوار با ارائه بازخوردهای منظم و پیوسته به صورت گزارش‌های ماهیانه، فصلی و سالیانه دهیاران را از نحوه تأثیرگذاریشان بر فرآیندهای سازمان مطلع ساخته تا با بهره‌گیری از این ساز و کار، دهیاران از تأثیر عملکرد خویش بر تحقق اهداف سازمان آگاهی بیشتری به دست آورند.

۵- دهیاری‌های دهستان رشتخوار در جهت به وجود آوردن اطمینان و آرامش و صداقت که جزو عناصر اصلی اعتماد است، در روابط مابین دهیاران توجه بیشتری معطوف نماید، به گونه‌ای که دهیاران در فضای سازمان دهیاری‌ها صداقت و صمیمیت را در تعاملات با یکدیگر درک کرده و در جهت دست‌یابی به آن تلاش کنند

۶- توجه به ماهیت چند بخشی و بین بخشی در مدیریت روستایی

۷- جلوگیری از موازی کاری و مشخص کردن وظایف دستگاه‌های اجرایی در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه روستایی

۸- مسئولین باید برای دهیاران روستاهای مورد مطالعه، برای آشنایی با ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و عمرانی باید کلاس‌های آموزشی بگذارند؛ زیرا آموزش دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی بسیار تأثیرگذار است

منابع

- امینی، عباس و داوود جمینی (۱۳۹۳)، تحلیلی بر ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد نهاد دهیاری با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۳۳، صص ۱۹۶-۱۷۷.
- تشکری، احمد (۱۳۸۱)، رهبری در آینه تاریخ، تهران، چاپ اول، انتشارات روزگار.
- چوبچیان، شهلا، کلانتری، خلیل و حسین شعبانعلی قمی (۱۳۸۶)، عوامل موثر بر عملکرد دهیاری‌ها استان گیلان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۰۸-۸۸.
- خدیوی، اسدالله، کوشافر، علی اصغر و جمیله رخساره آناختون (۱۳۹۱)، ارزیابی میزان توانمندی روان شناختی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با استناد به مدل توماس، فصلنامه علوم تربیتی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۶۲-۴۹.
- رستم پور، هوشنگ، محمدی یگانه، بهروز و حسن حیدری (۱۳۸۹)، بررسی عملکرد شوراهای اسلامی روستا و تأثیر میزان سواد اعضا در آن (نمونه موردی: شهرستان دیر، مدیریت شهری، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۱۹۰-۱۸۱).
- شیخی، حجت، پرزادی، طاهر و بیژن رمزیار (۱۳۹۲)، برری و ارزیابی عملکرد دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی، مجله علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال سوم، شماره سوم، (پیاپی ۱۰)، صص ۳۲-۱۷.
- فال سلیمان، محمود، صادقی، حجت الله و محمود مرادی (۱۳۹۱)، بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در فرآیند مدیریت و توسعه روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان بیرجند)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۱، صص ۹۵-۷۳.
- فراهانی، حسین و فاطمه آئین مقدم (۱۳۹۱)، ارزیابی عملکرد و کارایی دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در فرآیند مدیریت توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان

- سررودجنوبی در شهرستان بویراحمد)، چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ۷، شماره ۱۸، صص ۱۲۷-۱۱۷.
- فیروزآبادی، سید احمد و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۹۱)، وضعیت رضایت روستاییان و عوامل مرتبط با آن از عملکرد دهیاری‌ها، پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره یکم، صص ۶۱-۹۱.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسین، سوری، فرشاد و مهدی چراغی (۱۳۹۲)، ارزیابی عملکرد دهیاران در فرآیند توسعه روستایی با تاکید بر گروه‌های هدف کشاورزی، مجله علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال سوم، شماره دوم، (پیاپی ۹)، صص ۳۶-۱۹.
- مهدوی، مسعود و علی‌اکبر نجفی کانی (۱۳۸۴)، دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران، نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳، صص ۳۹-۲۱.
- ودادی، احمد و احمد مهرآرا (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین توانمندسازی روانشناختی و تعهد سازمانی مطالعه موردی: ادارات امور مالیاتی شهر تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره هجدهم، مسلسل ۶۶، صص ۱۷۹-۱۶۱.
- Chen, L. H., Liaw, S. Y., and Lee, T. Z. (2003). Using an HRM pattern approach to examine the productivity of manufacturing firms—an empirical study. *International Journal of Manpower*, 24(3), 299-318.
- Conger and Kanungo. (1985). The empowerment process: Integrating theory and practice. *Academy of management Review*, 3, 473-475.
- Fitzgerald, B., Russo, N. L., and Stolterman, E. (2002). *Information systems development: Methods in action*. London: McGraw-Hill.
- Franz, C. R., and Robey, D., (1986). Organizational context, user involvement, and the usefulness of information systems. *Decision Sciences*, 17(3), 329-356.
- Gagne, M. and Decl, E.L. (2005). Self-determination theory and work Motivation., *Journal Organization Behavior*, 26, 331-362.

- Kostiwa, I.M., and Meeks,S. (2009). The Relation Between Psychological Empowerment, Service Quality, and Job Satisfaction Among Certified Nursing Assistants, *Clinical Gerontologist*, 3,276-292.
- Leon,Y. (2005). rural development in Europe: a research frontier for agricultureconomists.*Europeam Review of agriculture economics*. Vol. 32. P: 302,306
- Mahdidost, Hossein. (2004). Role of Local Community and Institutions in Integrated Rural Development in Iran. Tehran: Ministry of Jihad for agriculture.
- Nesan, L. J. and Holt, G.D. (2002). Assessment of organisational involvement in implementing empowerment, *Integrating Manufacturing Systems*, 4,201-211.
- Niehoff, B. P., Moorman, R. H., Blakely, G., and Fuller, J. (2001). The influence of Empowerment and job enrichment on employee loyalty in a downsizing environment. *Group & Organization Management*, 26,93–112.
- Puri, Satish K and Sundeep Sahay. (2007). Role of ICTs in Participatory Development: An Indian Experience, *Information Technology for Development*, Vol. 13 (2) 133–160.
- Rashidpour, L., Farajallah Hosseini, S.J. and Mirdamadi, S.M. (2011). Local community based management as a good governance approach to rural poverty reduction and sustainable development in Iran. *American-Eurasian Journal of Agriculyural & Environmental Sciences* 10(2): 174-179.
- Sayahi Kashi, J. (2004). A Country Papers for Islamic Republic of Iran. In: Report of the APO (Asian Productivity Organization) Seminar on Role of local communities and institutions in integrated rural development. 15-20 June 2002 (ICD-SE-3-01), Tehran, Iran. WWW.imo.org.ir
- Wood,S.J, and Desmond, J. (2004). Epowerment and performance, *International Review of Industrial and OrganizationalPsychology*, 19,18.
- Webster., C. (2006). An empirical analysis of the relationships between. The interactive use of performance measurement systems, creativity and performance: the intervening role of psychological empowerment, Monash University, EAA and AFAANZ conferences for their comments, 72.

-
- Wenchang, W. (2008). Rural management - the way out for Tibetan rural areas. *Journal of the Washington Institute of China Studies* 3 (3): 75-84.
- Yghi, A. (2008). Good governance practices by local administration in Jordan and USA. *International Journal of Rural Management* 4 (1-2): 47-65.